

## تأثیر شکاف دیجیتالی بر باروری زنان

■ فاطمه رادان<sup>۱</sup>

### چکیده

در عصر ارتباطات، شکاف دیجیتالی پیامدهای متفاوتی را در حوزه فرهنگ به همراه داشته است؛ کاهش میزان باروری زنان در دو دهه اخیر، که نگرانی مسئولان و مدیران را به دنبال داشته، نیز تحت تأثیر عوامل فرهنگی ناشی از شکاف دیجیتالی و دیگر عوامل مؤثر بر پدیده باروری قرار گرفته است. در پاسخ به این پرسش که شکاف دیجیتالی تا چه اندازه بر باروری زنان ساکن تهران تأثیرگذار بوده، ۶۰۰ نفر از آنان به شکل نمونه تصادفی نظام مند بر اساس جدول لین انتخاب شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش مبین ارتباط معنادار بین شکاف دیجیتالی و باروری است و برخی از مؤلفه‌های اجتماعی (خاستگاه قومی، میزان تحصیلات و وضعیت اشتغال زنان) با باروری زنان در ارتباط‌اند. در نهایت، آزمون مدل تحقیق با استفاده از معادلات ساختاری نشان می‌دهد که شکاف اجتماعی، شکاف دیجیتالی و آشنایی با زبان‌های خارجی می‌توانند ۵۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته، یعنی رفتار باروری زنان متأهل ساکن تهران را در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸)، تبیین کنند.

### واژگان کلیدی

باروری، زنان، شکاف اجتماعی، شکاف دیجیتالی، فرهنگ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

تولیدمثل و فرزندپروری از کارکردهای مهم خانواده محسوب می‌شوند، اما در سال‌های اخیر نرخ باروری کاهش یافته است و کارشناسان جمعیتی با تکیه بر آمارها اظهار کرده‌اند که اگر نرخ باروری با این روند کاهش یابد، در سال ۱۴۲۰ نرخ رشد جمعیت صفر می‌شود و در سال ۱۴۲۵ شاهد رشد منفی خواهیم بود (محمودی، ۱۳۹۰). در حال حاضر متوسط هر خانواده ایرانی ۵/۳ نفر است و خانواده‌ها رو به کوچک شدن هستند؛ ۱۴ درصد خانواده‌های ایرانی مایل‌اند هیچ فرزندی نداشته باشند و ۱۹ درصد هم تنها یک فرزند می‌خواهند. نرخ باروری در حال حاضر رقم ۱/۷ درصد است؛ یعنی دو درصد پایین‌تر از نرخ جانشینی (ناظمی‌اردکانی، ۱۳۹۳).

تاکنون مطالعات مختلفی به بررسی روند و تحولات باروری در ایران و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند (احمدیان و مهربانی، ۱۳۹۲؛ قاضی طباطبایی و نادر، ۱۳۹۲؛ قائدرحمتی و حسینی، ۱۳۹۱؛ قدرتی، احمدی، مختاری و افراسیابی، ۱۳۹۰؛ حسینی، ۱۳۸۹؛ شیری و بیداریان، ۱۳۸۸) و هرکدام با توجه به داده‌های موجود سعی در برآورد و یا تبیین باروری و عوامل مؤثر بر آن داشته‌اند. این مطالعات بر نقش عواملی مانند مدرنیزاسیون، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، جهت‌گیری علمای مذهبی، تحصیلات زنان، تغییر در سن ازدواج و باروری تأکید کرده‌اند، اما کمتر به تحولات جهانی و آزمون ارتباط آن با باروری در ایران پرداخته‌اند. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مردم ایران تحت تأثیر تغییرات حاصل از جهانی شدن بوده‌اند که یکی از مؤلفه‌های اصلی آن گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات است (خواجه نوری، ۱۳۸۵؛ زیاری، محمدپور، منوچهری و عیوضلو، 1389; Abbasi, Sadeghi Niaraki & 2008 Dehkordi).

رشد فناوری‌های نوین ارتباطی نگرش‌ها و ارزش‌های افراد در عرصه‌های گوناگون را تحت تأثیر قرار داده و از این رهگذر برسبک زندگی آنان نیز تأثیر گذاشته است و این وسایل دیجیتالی، از میان تمام ابزارها و فنون جدید، بیشترین تأثیر فرهنگی را بر جای گذاشته‌اند (مهدی‌زاده و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۸۷). در سال‌های اخیر از طریق این رسانه‌ها ارزش‌های جدیدی که بر فردگرایی و اصالت فرد تأکید داشتند در جامعه ترویج شده‌اند؛ در بستر این تحولات برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده از جمله رفتارها و نگرش‌های باروری نیز تغییر یافته است، الگوی نوینی در کنار شکل اصیل زن ایرانی پا به عرصه وجود گذاشته که نگاه ارزشی به فرزندآوری و مادر شدن را تغییر داده و اولویت را در رسیدن به مدارج بالای اجتماعی و برابری هرچه بیشتر با مردان و توجه و مراقبت از جسم و بدن خود و تعالی استعدادها و توانایی‌های خود می‌داند (شاه‌آبادی، سرایی و خلیج‌آبادی فراهانی، ۱۳۹۳: ۳۲). اما نکته قابل توجه این است که دسترسی و سواد استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی برای همگان میسر نبوده و

این پدیده را تحت عنوان شکاف دیجیتالی<sup>۱</sup> شناسایی کرده‌اند. در واقع شکاف دیجیتالی به تفاوتی اطلاق می‌شود که در خصوص دسترسی و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در بین افراد وجود دارد (Noll, Older-aguilar, Gregory & Richard, 2000: 1; Campbell, 2001: 121). برخی افراد بهترین رایانه‌ها، خدمات تلفنی و خدمات اینترنتی پرسرعت را در اختیار دارند، اما گروهی دیگر از مردم به این امکانات دسترسی ندارند. طبق تعریف سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (۲۰۰۱) نیز، شکاف بین افراد، خانوارها، صاحبان حرف و مناطق جغرافیایی در جایگاه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در دسترسی و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به شکاف دیجیتالی موسوم است (نورایی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۴). بنابراین با توجه به تأثیرات گسترده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر زندگی و فرهنگ افراد مختلف، انتظار می‌رود استفاده کردن یا نکردن از این فناوری‌ها بر رفتار باروری در زنان نیز مؤثر باشد. جمعیت حاصل سه مؤلفه اصلی باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت است که در این بین، مؤلفه باروری به عنوان عامل منحصربه‌فرد افزایش جمعیت در سطح جهانی از اهمیت خاصی برخوردار است (جوان، ۱۳۸۸: ۲۷۸). رفتار باروری تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله دانش و آگاهی در خصوص آن و همچنین انگیزه‌های فردی و اجتماعی زوجین و به ویژه زنان است. امروزه تأثیر فناوری‌ها بر زنان به خصوص در کشورهای در حال توسعه به عنوان یکی از افشار درحاشیه‌مانده بسیار مورد توجه قرار گرفته است (خواجه نوری، کریمی و کشاورزی، ۱۳۹۳: ۲۴). استفاده زنان از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند بر آگاهی‌ها، انگیزه‌ها، خواسته‌ها و درک آنان از زندگی تأثیر گذاشته و رویکردشان را به زندگی و داشتن فرزند و تعداد آن را تغییر دهد. این فناوری‌ها می‌توانند بر استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری نیز تأثیرگذار باشند. تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که چه ارتباطی بین شکاف دیجیتالی و رفتار باروری زنان متأهل شهر تهران وجود دارد.

### پیشینه پژوهش

مرور مطالعات تجربی پیشین و مرتبط با موضوع برای رسیدن به نتایج بهتر در این پژوهش سودمند خواهد بود. خواجه نوری و همکارانش (۱۳۹۳) بر رابطه طبقه اجتماعی، تحصیلات، شکاف فناوری، شکاف سواد اطلاعاتی و دسترسی به اطلاعات با توانمندی زنان تأکید دارند. قدرتی و همکارانش (۱۳۹۰) دریافتند که تحصیلات زنان و عضویت آن‌ها در گروه‌های رسمی به ترتیب مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تعداد فرزندان زنده به دنیاآمده هر زن بوده‌اند. همچنین بین مناطق اجتماعی-اقتصادی بر حسب باروری تفاوت وجود دارد. یافته‌های حسینی (۱۳۸۹) مؤید نتایج تحقیقات پیشین مبنی بر هم‌گرایی باروری در بسترهای مختلف

1. Digital divide

اقتصادی. اجتماعی و فرهنگی است. تحقیق عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که تفاوت‌های قومی در باروری، به‌طور چشمگیری، بعد از کنترل مشخصه‌های اجتماعی. جمعیتی، به‌ویژه تحصیلات، کاهش یافته و تاحدی در رفتار باروری گروه‌های قومی همانندی و هم‌گرایی ایجاد می‌شود.

کلانتری، بیک محمدی و زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۴) نشان دادند که عواملی مانند افزایش تحصیلات و سن ازدواج زنان، توافق زوجین در تنظیم خانواده، افزایش مشارکت مردان در تنظیم خانواده و کاهش مرگ‌ومیر کودکان از عوامل مؤثر بر کاهش باروری زنان است. نتایج پژوهش واتال<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۱) نشان داد که اشاعه فناوری همگام با خطوط طبقات اجتماعی است و با گسترش فناوری‌های نوین، شکاف دیجیتالی عمیق‌تر می‌شود. به گفته مولتسن و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، مطالعات زیادی نشان داده‌اند که زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به‌عنوان واسطه‌هایی هستند که بین تحصیلات و رفتار باروری نقش‌آفرینی می‌کنند.

نتایج ویلیز و ترانتر<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) حاکی از آن است که علی‌رغم آنکه اینترنت برای همه قشرهای اجتماعی بیشتر از گذشته فراهم شده، اما هنوز متغیرهایی از جمله درآمد خانوادگی، سن، تحصیلات و طبقه شغلی دلایل مهمی در استفاده افراد از اینترنت است. بنا به پژوهش بیرو و دوفلو<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، تحصیلات زنان نسبت به تحصیلات مردان تعیین‌کننده قوی‌تری در میزان رفتار باروری زنان است. یافته‌های شوماخر<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) ارتباط میان میزان تحصیلات و طبقه اجتماعی را تأیید می‌کند، به شکلی که طبقه اجتماعی با میزان باروری رابطه معکوس دارد.

### مبانی نظری پژوهش

#### نظریه انتقال باروری کالدول

کالدول<sup>۶</sup> در توضیح اثرات «جهانی شدن اجتماعی» و «اشاعه» ایده‌ها و آگاهی‌ها، در گذار جمعیت مدرن، بر قدرت شبکه جهانی رسانه‌هایی همچون روزنامه‌ها و ماهواره در تبلیغ و توسعه ارزش‌های طبقه متوسط غربی و پیامدهای آن برای کاهش اندازه خانواده و پذیرش وسایل جلوگیری تأکید می‌کند. به زعم وی، جهانی شدن روندی است که طی آن افراد درباره مردم سراسر دنیا و شیوه‌های زندگی ایشان آگاهی می‌یابند و همچنین

1. Wattal et al.
2. Moletsane et al.
3. Willis & Tranter
4. Breierova & Dufflo
5. Schoemaker
6. Caldwell

تجارب و دیدگاه‌هایشان را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. از عوامل گسترش این پدیده می‌توان به مسافرت و شبکه‌های رسانه‌ای جهانی، از روزنامه گرفته تا ماهواره، اشاره کرد (Caldwell, 2006: 227). کالدول با مطالعه باروری در آمریکای لاتین بیان می‌کند که برخی شواهد حاکی از آغاز به‌کارگیری و گسترش برنامه‌تنظیم خانواده در مناطق دوردست نه به‌طور مستقیم بلکه از طریق نمایش‌های تلویزیونی، که شیوه زندگی در شهر را آموزش می‌دادند، است. کاهش باروری در آمریکای لاتین گواهی بر جهانی بودن این پدیده است (Caldwell, 2006: 227). به نظر کالدول، برنامه‌های کاهش باروری در آمریکا آغاز شد و پس از آن از طریق رسانه‌ها و ارتباطات به دیگر کشورها سرایت کرد (Caldwell, 2006: 262). اشاعه ایده‌های تنظیم خانواده متأثر از دسترسی به فناوری‌های جدید، اطلاعات جدید، سواد اطلاعاتی و ارتباطات است. کسانی که از این امکانات برخوردارند به تدریج تحت تأثیر ایده‌هایی قرار می‌گیرند که در جوامع توسعه‌یافته شکل گرفته‌اند و در نتیجه، نگرششان نسبت به تعداد فرزند تغییر می‌کند.

### نظریه شکاف دیجیتالی

برتوت<sup>۱</sup> بر این باور است که شکاف دیجیتالی دارای ابعاد زیر است: (۱) دسترسی به فناوری؛ شکاف بین کسانی که به فناوری (رایانه و اینترنت) دسترسی دارند و کسانی که فاقد دسترسی‌اند. (۲) ارتباطات؛ یکی از ابعاد تأثیرگذار بر شکاف نوع ارتباطات است. آن دسته از افرادی که به خدمات اینترنتی پهن‌بند دسترسی دارند و آن افرادی که تنها به اشکال ساده فناوری اطلاعات و ارتباطات دسترسی دارند، مثل تلفن ثابت. (۳) ابعاد اقتصادی؛ در اینجا زیرساخت‌های فناوری و ارتباطات مرتبط با توسعه اقتصادی مد نظر است. (۴) دسترسی به اطلاعات؛ بنیان جامعه مردم‌سالار دسترسی آزاد به اطلاعات است. شکاف میان کسانی که به ابزارها و حمایت‌های اجتماعی موردنیاز برای دستیابی و تبادل اطلاعات دسترسی دارند و آن دسته از افرادی که فاقد این امکانات هستند. (۵) سواد اطلاعاتی؛ مجموعه‌ای از حداقل مهارت‌ها برای استفاده از ابزارهای جست‌وجوی اطلاعات به‌منظور مشخص کردن منابع مفید و بازیابی اطلاعات برای ارزیابی و دسترسی به رابط اطلاعاتی و ترکیب این اطلاعات در سازوکاری که بتواند مشکل اطلاعاتی را حل کند (Bertot, 2003: 185).

کاروین<sup>۴</sup> نه‌تنها بر شکاف سواد اطلاعاتی بلکه، در خصوص شکاف دیجیتالی، سواد را گسترده‌تر در نظر گرفته و دیگر ابعاد سواد را مورد توجه قرار می‌دهد و مدعی است که این

1. Bertot
2. Computing technology
3. Ccommunications
4. Carvin

ابعاد می‌توانند بر شکاف دیجیتالی اثرگذار باشند. به باور او، انواع متفاوتی از سواد از جمله سواد ابتدایی (توانایی خواندن و نوشتن)، سواد اطلاعاتی (توانایی فهم مطالب کیفی)، سواد تکنیکی (مهارت‌ها و توانایی افراد و جوامع در استفاده از فناوری‌های دیجیتالی و اینترنت به گونه‌ای مؤثر برای رفع نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و سواد انطباقی (توانایی ایجاد مهارت‌های استفاده از اینترنت و رسانه‌های دیجیتالی) همگی نقش مهمی در فهم ماهیت پیچیده شکاف دیجیتالی دارند (کریبر و مارتین<sup>۱</sup>، ۱۳۹۰: ۲۷۸).

گیرمیکائیل<sup>۲</sup> و جانسون (۲۰۰۶) اشاره می‌کند که با توجه به رشد ابعاد شکاف دیجیتالی همواره درک آن نیز پیچیده شده و به دست دادن تعریفی واحد از آن به نظر سخت می‌آید، اما به طور کلی معمول‌ترین تعاریف در دو اصل مهم با هم اشتراک دارند: (۱) میان کشورها، فرهنگ‌ها و اجتماعات توسعه یافته و هم‌تایان کمتر توسعه یافته آن‌ها، از نظر استفاده و دسترسی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی شکاف وجود دارد؛ (۲) هر ملت، فرهنگ و اجتماعی در سطوح درونی خود با فقر اطلاعاتی روبه‌روست. بنابراین شکاف دیجیتالی نه تنها در سطح کلان بین‌المللی بلکه در سطوح میانی مانند مناطق درون شهری و منطقه‌ای هم قابل مشاهده و بررسی است. بر اساس دیدگاه‌های برتوت، کاروین و گرابیل<sup>۳</sup>، بروز یک فناوری موجب می‌شود که به لحاظ اجتماعی تفاوت‌های کلی بین افراد ایجاد شود. همچنین سواد استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی خود دارای ابعادی است و جدای از شکاف دیجیتالی بُعدی پیچیده است. از سوی دیگر، شکاف ابعاد سواد استفاده از این فناوری‌ها هم عامل و هم معلول شکاف دیجیتالی است (Gebremichael & Jason, 2006: 270). درحالی‌که دسترسی فیزیکی به رایانه و اینترنت یکی از متغیرهای کلیدی برای تعریف شکاف دیجیتالی است، باید این مفهوم را با نگاه به سایر عوامل مانند سواد، سواد تکنیکی، زبان، شبکه و هزینه‌های مربوط به دسترسی اینترنت گسترش داد و به فهم شکاف دیجیتالی کمک کرد (کریبر و مارتین، ۱۳۹۰: ۲۷۷). پپا نوریس<sup>۴</sup> در خصوص شکاف دیجیتالی یک گونه‌شناسی ارائه می‌دهد و آن را شامل شکاف اجتماعی، شکاف جغرافیایی و شکاف مردم‌سالاری می‌داند. دیدگاه نوریس در خصوص شکاف اجتماعی به‌ویژه در سطح میانی و منطقه‌ای شاید بتواند چارچوبی ایجاد کند که در آن روابط پیچیده دسترسی، سواد، مطالب، زبان، جنسیت، نژاد و سن در عصر دیجیتال به تفصیل بررسی شوند (کریبر و مارتین، ۱۳۹۰: ۲۷۹ و ۲۸۰).

1. Creeber & Martin

2. Gebremichael

3. Grabill

4. Pippa Norris

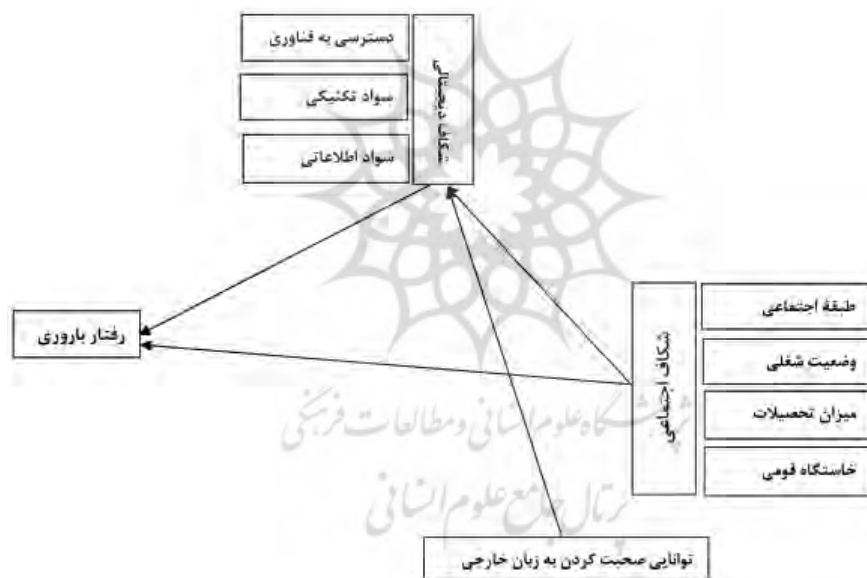
## شکاف اجتماعی

شکاف اجتماعی مربوط به تفاوت‌های دسترسی بین گروه‌های مختلف اجتماعی به دلیل موانع اجتماعی - جمعیتی مانند طبقه، درآمد، تحصیلات، جنسیت، سن و نژاد است؛ مثلاً طبقه یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی شرکت یا محرومیت دیجیتالی است. مایک هولدرنس<sup>۱</sup> می‌گوید: «همچنان این‌گونه باقی می‌ماند که شدیدترین و واضح‌ترین شکاف‌ها در فضای سایبر بر محل زندگی فرد و مقدار درآمد او مبتنی است». به گفته نوریس، تا آنجا که به شکاف درآمد مربوط می‌شود، دسترسی عمومی به رایانه و اینترنت مستلزم حذف موانع اقتصادی است که شکاف دسترسی را بدتر می‌کند و تأثیر زیادی بر انواع دیگر شکاف مانند جنسیت، نژاد و سواد می‌گذارد (Gebremichael & Jason, 2006: 275). تحصیلات نیز یکی دیگر از عوامل شکاف کلاسیک است. بیشتر افراد محروم دیجیتالی احتمالاً تحصیلات کمتری دارند و کم‌درآمدتر هستند، هرچند این لزوماً به این معنا نیست که آن‌ها از اینترنت استفاده نمی‌کنند. تحصیلات فاصله بین استفاده‌کنندگان اینترنت و کسانی را که نمی‌توانند از آن استفاده کنند تقویت می‌کند. سایر متغیرها، از قبیل جنسیت و نژاد و قومیت، شکاف دیجیتالی را پیچیده‌تر می‌کنند، زیرا تبعیض اجتماعی به محرومیت از مشارکت معنی‌دار گروه‌های مختلف منجر شده است (Gebremichael & Jason, 2006: 279-280).

نکته‌ای دیگر که دقیقاً به حساسیت نیاز به استفاده از مفاهیم و واژه‌ها در مطالب موجود در سایت‌ها مربوط می‌شود آشنایی با زبان‌های خارجی است. زبان می‌تواند مانعی برای افرادی که دسترسی و مهارت‌های سواد دارند باشد و به همین دلیل نابرابری‌ها را بین افرادی که غالب‌ترین زبان‌های اینترنت را می‌فهمند و افرادی که آن را نمی‌فهمند افزایش دهد، مثلاً گزارش دیگری از شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳ با عنوان «نقش ICT در پوشش شکاف دیجیتالی در مناطق منتخب» می‌گوید، در حالی که دسترسی به رایانه و اینترنت در آسیا و منطقه اقیانوسیه بسیار ساده شده، نادیده گرفتن زبان‌های محلی منطقه مانع استفاده کارآمد و ثابت از اینترنت است (Gebremichael & Jason, 2006: 279). مثلاً زبان نیز فاصله جهانی بین «دارندگان» و «نداران» اطلاعات را افزایش داده است، زیرا در صورتی که کمتر از یک‌دهم افراد انگلیسی صحبت می‌کنند، ۸۰ درصد وب‌سایت‌ها، رایانه‌ها و رابطان کاربران اینترنتی به زبان انگلیسی هستند (Gebremichael & Jason, 2006: 283). بنابراین عوامل فرهنگی می‌توانند در میان مردم شکاف دیجیتالی را عمیق‌تر کنند. کالدول نیز معتقد است اشاعه ایده‌های تنظیم خانواده متأثر از دسترسی به فناوری‌های جدید، اطلاعات جدید، سواد اطلاعاتی و ارتباطات است. کسانی که از این عوامل برخوردارند به تدریج تحت تأثیر ایده‌هایی قرار

می‌گیرند که در جوامع توسعه یافته قبلاً پرداخته و توسعه یافته‌اند و در نتیجه، نگرشان به تعداد فرزند تغییر می‌یابد.

در این پژوهش از دیدگاه کالدول، برتوت و نوریس به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. تبیین تغییرات باروری در ایران به عوامل متفاوتی می‌تواند وابسته باشد، اما یکی از مهم‌ترین عوامل مرتبط با این تغییرات دگرگونی‌هایی است که در سطح فرهنگی رخ داده است و با توجه به این واقعیت که در عصر رسانه به سر می‌بریم، توجه به مسائل گوناگون مستلزم آن است که به مسئله فرهنگی و اشاعه باورهای فرهنگی و اطلاعات توجه شود. در خصوص مسئله باروری می‌توان انتظار داشت که استفاده از رسانه‌های جمعی و فناوری‌های اطلاعاتی میزان آگاهی افراد نسبت به وسایل و شیوه‌های جلوگیری از بارداری و همچنین نگرش آن‌ها به باروری را تغییر می‌دهد. الگوهای رفتار باروری، که متأثر از فرهنگ جوامع غربی‌اند، از طریق فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین به ایران اشاعه یافته و در جهت کنترل بیشتر باروری اثرگذارند.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

### فرضیه‌های پژوهش

#### فرضیه‌های اصلی

- بین شکاف دیجیتالی و رفتار باروری ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین شکاف اجتماعی و رفتار باروری ارتباط معناداری وجود دارد.



### فرضیه‌های فرعی

- بین دسترسی به فناوری رایانه‌ای و رفتار باروری ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین سواد اطلاعاتی و رفتار باروری ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین سواد تکنیکی و رفتار باروری ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین شکاف اجتماعی و شکاف دیجیتالی ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی زنان و رفتار باروری ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین تحصیلات زنان و رفتار باروری ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین خاستگاه قومی زنان و رفتار باروری ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین وضعیت شغلی زنان و رفتار باروری آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.
- بین آشنایی زنان به زبان‌های خارجی و شکاف دیجیتالی ارتباط معناداری وجود دارد.

### روش پژوهش

روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پیمایش شیوه نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند است، بدین ترتیب که ابتدا جمعیت مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به تفکیک استخراج شد، سپس متناسب با جمعیت هر منطقه و نسبت آن با جمعیت کل، تعداد پرسشنامه مورد نظر برای هر منطقه مشخص شد. سپس در هر منطقه به صورت تصادفی تعدادی بلوک (به تناسب تعداد پرسشنامه آن منطقه) و در درون هر بلوک نیز به صورت تصادفی تعدادی کوچه تعیین شدند. در نهایت در هر کوچه نیز به صورت تصادفی تعدادی خانوار مشخص شد و در هر خانوار، فقط یک زن برای پاسخ‌گویی تعیین شد. تعداد کل زنان متأهل شهر تهران بر اساس سرشماری ۱۳۹۵ برابر با ۲۳۶۰۲۷۱ بوده است که در این تحقیق حجم نمونه آماری بر اساس جدول لین (Lin, 1978: 446-447) با سطح معناداری ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد برابر با ۶۰۰ نفر تعیین شد. برای سنجش اعتبار سؤالات از شیوه صوری و تحلیل عاملی استفاده شد. روش آلفای کرونباخ نیز برای سنجش پایایی گویه‌ها به کار گرفته شد.

### مفاهیم پژوهش

رفتار باروری: تعداد فرزندان که پاسخ‌گو زنده به دنیا آورده به عنوان شاخص رفتار باروری زنان در نظر گرفته شد.

شکاف دیجیتالی: شکاف دیجیتالی اصطلاحی است که به نابرابری افراد جامعه در دسترسی به فناوری‌های اطلاعاتی اشاره دارد. سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای است. برای سنجش آن از ابعاد دسترسی به فناوری، سواد اطلاعاتی و سواد تکنیکی استفاده شده است. دسترسی به فناوری: شکاف بین کسانی که به فناوری (رایانه و اینترنت) دسترسی دارند و

کسانی که به این فناوری دسترسی ندارند. این متغیر در سطح سنجش اسمی است. سواد اطلاعاتی: هنگامی که اطلاعاتی بر روی اینترنت یافت می‌شود به این توانایی نیاز داریم که اعتبار، قابلیت اعتماد، مناسب بودن و محتوای آن را تشخیص دهیم (Carvin, 2003: 5). سطح سنجش این متغیر در سطح فاصله‌ای بوده است و برای سنجش آن از تعدادی گویه استفاده شد.

سواد تکنیکی: توانایی استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی معمول مانند سخت‌افزار، نرم‌افزار و ابزارهای اینترنتی مانند موتورهای جست‌وجو. این متغیر در سطح فاصله‌ای سنجیده شد. توانایی صحبت کردن به زبان خارجی: منظور این است که آیا پاسخ‌گویان قادرند به یکی از زبان‌های خارجی صحبت کنند و آیا با آن آشنایی دارند. سطح سنجش این متغیر اسمی بوده است.

### یافته‌های پژوهش

در این مطالعه، سطح تحصیلات یکی از شاخص‌های شکاف اجتماعی محسوب می‌شود که می‌تواند بر رفتار باروری تأثیر بگذارد. آماره‌های جدول ۱ آزمون نشان‌دهنده آن است که سطوح تحصیلی بالاتر، در مقایسه با سطح پایین‌تر، تعداد فرزندان کمتری دارند. مقدار F جدول سطح معنی‌داری این تفاوت‌ها در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار، و مدل انتخابی برازندگی دارد.

جدول ۱. آزمون تفاوت در باروری زنان بر حسب میزان تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	F	درجه آزادی	سطح معناداری
زیر دیپلم	۱۱۶	۲/۷۴	۱/۱۳	۷۲/۵۸	۵۹۶	۰/۰۰۰
دیپلم	۲۱۷	۱/۸۴	۱/۲۱			
لیسانس و بالاتر	۲۶۶	۱/۱۸	۱/۱۶			

وضعیت شغلی یکی دیگر از شاخص‌های شکاف اجتماعی در بین زنان به حساب می‌آید. جدول ۲ نشان می‌دهد که زنان شاغل از میانگین باروری کمتری نسبت به زنان خانه‌دار برخوردار بوده‌اند. تفاوت میانگین دو گروه در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است.

جدول ۲. آزمون تفاوت در باروری زنان بر حسب وضعیت شغلی

وضعیت شغلی	فراوانی	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
خانه‌دار	۴۳۸	۱/۹۹	۰/۱۴	۵۸۳	۰/۰۰۰
شاغل	۱۰۴	۱/۲۹			

### تأثیر شکاف دیجیتالی بر باروری زنان

سومین شاخص شکاف اجتماعی در نظر گرفته شده در این پژوهش گروه قومی است. با توجه به آماره‌های جدول ۳، میانگین باروری زنان فارس در مقایسه با دیگر گروه‌های قومی در تهران کمتر است. این تفاوت نیز در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان مورد تأیید بوده است.

جدول ۳. آزمون تفاوت در باروری زنان بر حسب خاستگاه قومی

خاستگاه قومی	فراوانی	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
فارس	۵۲۴	۱/۶۸	-۲/۰۵	۵۹۷	۰/۰۴
غیرفارس	۷۵	۲/۰۱			

با توجه به مباحث پیشین طبقه اجتماعی بر ابعاد مختلف شکاف اجتماعی تأثیر می‌گذارد. یافته‌های جدول ۴ مؤید این نظر است. با توجه به مقادیر F و سطح معنی‌داری آن‌ها، ضمن آنکه مشخص می‌شود که بین طبقات مختلف اجتماعی بر حسب ابعاد مختلف شکاف دیجیتالی تفاوت معنی‌دار وجود دارد، همچنین مشخص می‌شود که مدل‌های طراحی شده برازندگی دارند. با توجه به میانگین‌های جدول، مشاهده می‌شود که طبقات بالا نسبت به سایر طبقات از دسترسی به فناوری بالاتر، سواد تکنیکی بیشتر و سواد اطلاعاتی بالاتری برخوردارند.

جدول ۴. آزمون تفاوت در شکاف دیجیتالی زنان بر حسب طبقه اجتماعی-اقتصادی

طبقه اجتماعی-اقتصادی	ابعاد شکاف دیجیتالی	فراوانی	میانگین	F	سطح معناداری
پایین	دسترسی به فناوری	۱۳۱	۰/۹۳	۱۹/۲۶	۰/۰۰۰
		۳۳۶	۱/۴		
		۱۰۵	۰/۷۲		
متوسط	سواد تکنیکی	۱۲۹	-۰/۹۳	۱۸/۹۳	۰/۰۰۰
		۳۲۳	-۰/۱۷		
		۹۷	۱/۹		
بالا	سواد اطلاعاتی	۱۳۴	-۰/۷۶	۱۷/۲۶	۰/۰۰۰
		۳۳۱	-۱/۸۸		
		۱۰۵	۱/۵۲		

همچنان‌که در مباحث نظری نیز بیان شد، سطح تحصیلات بر استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین اثر می‌گذارد. یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که بین سطوح تحصیلی مختلف بر حسب ابعاد شکاف دیجیتالی تفاوت معنی‌داری در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد.

## جدول ۵. آزمون تفاوت در شکاف دیجیتالی زنان بر حسب سطح تحصیلات

سطح معناداری	F	میانگین	فراوانی	ابعاد شکاف دیجیتالی	سطح تحصیلات
۰/۰۰۰	۳۵/۴	۰/۹۲	۱۱۴	دسترسی به فناوری	زیر دیپلم
		۱/۲۱	۲۱۰		دیپلم
		۱/۶۲	۲۶۰		لیسانس و بالاتر
۰/۰۰۰	۲۹/۱۷	۱۱۹	۱۲۹	سواد تکنیکی	زیر دیپلم
		۲۱۸	۳۲۳		دیپلم
		۲۱۷	۹۷		لیسانس و بالاتر
۰/۰۰۰	۷۰/۵۳	-۱/۴	۱۳۴	سواد اطلاعاتی	زیر دیپلم
		-۰/۵۲	۳۳۱		دیپلم
		۰/۹۸	۱۰۵		لیسانس و بالاتر

جدول ۶ نشان دهنده تفاوت در ابعاد شکاف دیجیتالی بر حسب وضعیت شغلی پاسخ‌گویان است. میانگین‌های این جدول نشان می‌دهند که زنان خانه‌دار در تمامی ابعاد شکاف دیجیتالی، نسبت به زنان شاغل، از موقعیت پایین‌تری برخوردارند. بر اساس آزمون تحلیل واریانس و سطح معناداری آن نتیجه می‌گیریم که با ۹۹ درصد اطمینان می‌توانیم به این تفاوت اتکا داشته باشیم.

## جدول ۶. آزمون تفاوت در شکاف دیجیتالی زنان بر حسب وضعیت شغلی

سطح معناداری	T	میانگین	فراوانی	وضعیت شغلی	ابعاد شکاف دیجیتالی
۰/۰۰۰	۴/۶۸	۱/۶	۱۵۴	شاغل	دسترسی به فناوری
		۱/۲۴	۴۲۶	خانه‌دار	
۰/۰۰۰	۸/۷	۲/۱۱	۱۵۰	شاغل	سواد تکنیکی
		-۰/۷۷	۴۰۹	خانه‌دار	
۰/۰۰۰	۵/۴۶	۱/۱۱	۱۵۶	شاغل	سواد اطلاعاتی
		-۰/۴۶	۴۲۳	خانه‌دار	

جدول ۷ نتایج همبستگی پیرسون بین متغیرهای دسترسی به فناوری، سواد تکنیکی و سواد اطلاعاتی را با متغیر باروری نشان می‌دهد. با توجه به نتایج به دست آمده، میان ابعاد شکاف

## تأثیر شکاف دیجیتالی بر باروری زنان

دیجیتالی و باروری رابطه منفی و معنادار در سطح ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. همچنین در این میان به ترتیب رابطه میان سواد اطلاعاتی و سواد تکنیکی با باروری قوی تر است.

جدول ۷. همبستگی میان شکاف دیجیتالی و باروری با کنترل اثر متغیر سن

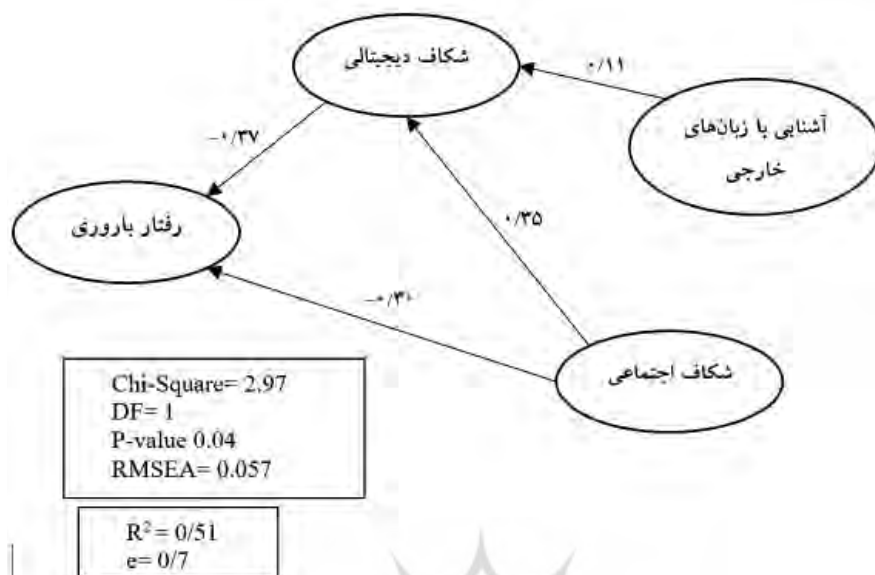
متغیرها	میزان باروری
دسترسی به فناوری	-۰/۱۱**
سواد تکنیکی	-۰/۴**
سواد اطلاعاتی	-۰/۲۵**

\*\*P < .01

با توجه به آماره‌های جدول ۸ درمی‌یابیم، پاسخ‌گویانی که با زبان‌های خارجی آشنایی دارند در تمامی ابعاد شکاف دیجیتالی از میانگین بالاتری نسبت به کسانی که با زبان‌های خارجی آشنایی ندارند برخوردارند. مقادیر T جدول و سطح معنی‌داری آن‌ها بیانگر آن است که این تفاوت‌ها با ۹۹ درصد اطمینان مورد تأیید است.

جدول ۸. آزمون تفاوت در ابعاد شکاف دیجیتالی و توانایی صحبت کردن به زبان خارجی

ابعاد شکاف دیجیتالی	صحبت کردن به زبان خارجی	فراوانی	میانگین	T	سطح معناداری
دسترسی به فناوری	عدم آشنایی با زبان خارجی	۳۰۸	۱/۱۲	-۶/۸۶	۰/۰۰۰
	آشنایی با زبان خارجی	۲۶۶	۱/۵۹		
سواد اطلاعاتی	عدم آشنایی با زبان خارجی	۳۱۰	-۰/۸۵	-۷/۱۷	۰/۰۰۰
	آشنایی با زبان خارجی	۲۶۳	۰/۹۷		
سواد تکنیکی	عدم آشنایی با زبان خارجی	۳۰۴	-۱/۴۸	-۱۱/۵۸	۰/۰۰۰
	آشنایی با زبان خارجی	۲۵۳	۱/۸		



در این مطالعه روابط مستقیم و غیرمستقیم میان متغیرها با استفاده از نرم افزار لیزرل<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گرفت. همان‌گونه که در شکل مذکور مشاهده می‌شود، میان شکاف دیجیتالی و باروری رابطه منفی وجود دارد. لذا مطابق با انتظار می‌توان گفت با افزایش ابعاد شکاف دیجیتالی (سواد اطلاعاتی، سواد تکنیکی و دسترسی به فناوری) میزان باروری کاهش می‌یابد. همچنین میان شکاف اجتماعی و باروری رابطه‌ای منفی وجود دارد. هرچه افراد از لحاظ اجتماعی در وضعیت بهتری قرار می‌گیرند میزان باروری در میان آن‌ها کاهش می‌یابد. در نهایت مدل پژوهش توانست ۵۱ درصد از تغییرات متغیر رفتار باروری را تبیین کند و ۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهایی خارج از مدل پژوهش است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نگرش، آگاهی‌ها، سبک زندگی و رفتار افراد تحت تأثیر محیط اجتماعی و فرهنگی افراد قرار دارند و با ورود فناوری‌های نوین و دیجیتالی، تفاوت دیدگاه‌ها بین استفاده‌کنندگان و کسانی که به این وسایل دسترسی نداشته و یا آگاهی لازم برای استفاده از آن را ندارند گسترش یافته است. فرایند گذار باروری در ایران متناسب با تحولاتی بوده که در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رخ داده است. یکی از تحولات اجتماعی و فرهنگی که تغییراتی اساسی در ایستارهای مرتبط با باروری به وجود آورده شکاف دیجیتالی است. کالدول نیز معتقد است

1. Lisrel.

اشاعه ایده‌های تنظیم خانواده متأثر از دسترسی به فناوری‌های جدید، اطلاعات جدید، سواد اطلاعاتی و ارتباطات است. کسانی که از این امکانات برخوردارند به تدریج تحت تأثیر ایده‌هایی قرار می‌گیرند که در جوامع توسعه‌یافته قبلاً پرداخته و توسعه یافته‌اند و در نتیجه، نگرش آن‌ها نسبت به تعداد فرزند تغییر یافته است. بنابراین در پژوهش حاضر با استفاده از یک نمونه ۶۰۰ نفری از زنان متأهل شهر تهران به بررسی این مهم پرداخته شد که بین شکاف دیجیتال و رفتار باروری چه ارتباطی وجود دارد.

مطابق با آزمون مدل با استفاده از نرم‌افزار لیزرل میان شکاف دیجیتالی و باروری رابطه منفی وجود دارد. لذا مطابق با انتظار می‌توان گفت با افزایش ابعاد شکاف دیجیتالی (سواد اطلاعاتی، سواد تکنیکی و دسترسی به فناوری) میزان باروری کاهش می‌یابد. در واقع بر اساس نظریه‌های پژوهش می‌توان اذعان داشت که ارزش‌های مدرن، که در رأس آن فردگرایی قرار داشته است، به وسیله رسانه‌های نوین به افراد منتقل شده و نگرش‌های مرتبط با باروری را تغییر داده است، به گونه‌ای که در الگوی نوین نگاه ارزشی به مادر بودن تغییر کرده و برای افراد جسم خود، ارتقای تحصیلی خود و دست یافتن به جایگاه‌های اجتماعی دارای ارزش بیشتری است. نتایج تحقیق از این حیث با تحقیق شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳) و عنایت و پرنیان (۱۳۹۲) همسوست.

همچنین میان شکاف اجتماعی و باروری رابطه‌ای منفی وجود دارد. در این باره می‌توان گفت، بهبود وضعیت اجتماعی از جمله وضعیت شغلی، سطح تحصیلات و خاستگاه قومی به کاهش باروری می‌انجامد. افزایش تحصیلات می‌تواند آگاهی را در میان زنان افزایش دهد و قدرت آنان را در پیشگیری از بارداری بالا برد. شاغل بودن از طرفی دیگر تمایل زنان را برای داشتن فرزند کاهش می‌دهد. می‌توان گفت که بهبود وضعیت اجتماعی زنان می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی آنان منجر شود، لذا می‌بینیم که علی‌رغم بهبود وضعیت اقتصادی بازهم تمایل زنان به باروری افزایش نمی‌یابد و کمتر می‌شود. این نکته از این جهت دارای اهمیت است که برخی سیاست‌های افزایش جمعیت در ایران به دنبال کمک اقتصادی اندک به خانواده‌ها برای ترغیب آنان به افزایش باروری است. لذا اجرای این‌گونه سیاست‌گذاری و صرف هزینه‌ها نمی‌تواند به نیل به اهداف مورد نظر منجر شود. در عصر کنونی و با گسترش کمی و کیفی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، عواملی مانند عدم دسترسی، ناآگاهی و عدم مهارت در استفاده از این نوع فناوری‌ها می‌تواند به تفاوت باروری در زنان منجر شود. در واقع می‌توان اظهار داشت رفتار باروری به شدت تحت تأثیر عوامل ساختاری و فرهنگی است.

در سایر متغیرها نیز نتایج حاکی از آن است که بین میزان تحصیلات با باروری رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش قدرتی و همکاران (۱۳۹۰) و شیرینی و بیداریان (۱۳۸۸) همسوست. همان‌طور که در بحث مربوط به شکاف اجتماعی گفته شد،

تحصیلات شکاف میان افرادی را که می‌توانند از اینترنت استفاده کنند و آن‌هایی را که نمی‌توانند افزایش می‌دهد. از طرفی، مطابق با نظریه کالدول می‌توان گفت، افراد با تحصیلات بالاتر به لحاظ ارتباطات بیشتری که با دنیای بیرون از طریق فناوری‌ها دارند بیشتر در معرض پیام‌های متفاوت و ارزش‌هایی قرار می‌گیرند که از طریق رسانه‌ها اشاعه می‌یابند. بنابراین با توجه به میزان بالاتر استفاده زنان با تحصیلات بالاتر از فناوری‌های ارتباطی جدید، تأثیر پیام‌های این رسانه‌ها از جمله ایده باروری کمتر بر روی آن‌ها بیشتر است.

همچنین رابطه میان وضعیت شغلی زنان و باروری نیز بررسی شد و نتایج نشان داد که ارتباط معناداری میان این دو وجود دارد. این نتیجه با یافته‌های قدرتی و همکاران (۱۳۹۰) همسوست. اشتغال زنان می‌تواند توان اقتصادی‌شان برای خرید و دسترسی به فناوری‌ها را افزایش دهد. از طرفی در مقایسه با خانه‌دار بودن، احتمال اینکه شاغل بودن و نوع شغل زن ایجاب کند که با فناوری‌ها آشنایی پیدا کند و در استفاده از آن‌ها مهارت کسب کند بیشتر است. همچنین با توجه به هزینه‌های بالای مادر بودن به خصوص برای زنان با تخصص بالا، می‌توان دلیل کاهش تمایل به فرزندآوری را افزایش علاقه به کار و تحصیل دانست. زنان، به واسطه تحصیلات و کسب شغل، عرصه اجتماعی را بیشتر تجربه می‌کنند و به تبع آن، به دنبال تحقق آرزوها و آمال خود می‌روند و از باروری خود می‌کاهند.

رابطه میان طبقه اجتماعی و باروری نیز در این پژوهش آزموده شد، اما ارتباط معناداری میان آن‌ها یافت نشد. این نتیجه برخلاف نتیجه‌ای است که شوماخر (۱۹۹۱) به دست آورده است. با توجه به نتایج مربوط به ارتباط میان شکاف دیجیتالی و طبقه اجتماعی می‌توان گفت افراد طبقات بالاتر دسترسی و استفاده بالاتری از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی دارند و میزان تأثیرپذیری آنان از پیام‌هایی، مانند ایده تنظیم و کاهش بُعد خانوار، که به وسیله رسانه‌ها انتقال می‌یابند بیشتر است. اما از طرفی شاید بتوان انتظار داشت که افراد سایر طبقات با توجه به عوامل اقتصادی تمایل چندانی به فرزندآوری نداشته باشند. همچنین می‌توان در این مورد با توجه به تحصیلات، ارتباط باروری و طبقه اجتماعی را نیز در نظر گرفت. با وجود ارتباط معکوس بین باروری و سطح تحصیلات و امکان ادامه تحصیل برای بیشتر گروه‌های اجتماعی در ایران، می‌توان انتظار داشت که تحصیلات بتواند تفاوت میان طبقات اجتماعی را از نظر میزان باروری کم کند. بر اساس نتایج پژوهش، رابطه معناداری میان قومیت و باروری وجود دارد. در واقع میانگین تعداد فرزندان اقوام غیرفارس از قوم فارس بیشتر است. این نتیجه همسو با نتیجه پژوهش عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۵) است. همچنین ارتباط معناداری میان ابعاد شکاف دیجیتالی و خاستگاه قومی یافت نشد. بنابراین علی‌رغم استفاده نسبتاً همسان گروه‌های قومی متفاوت از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، همچنان باروری در میان زنان با خاستگاه قومی غیرفارس بیشتر است. تفاوت‌های قومی باروری در بین گروه‌های قومی را می‌توان متأثر از



تاریخ اجتماعی، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای خاص قومی دانست. همچنین در این پژوهش ارتباط میان ابعاد شکاف اجتماعی و ابعاد شکاف دیجیتالی بررسی شد. یافته‌ها حاکی از آن است که بین ابعاد شکاف دیجیتالی بر حسب خاستگاه قومی زنان تفاوت وجود ندارد. اما بین طبقات اجتماعی-اقتصادی، وضعیت‌های شغلی و سطوح تحصیلات مختلف زنان بر حسب ابعاد شکاف دیجیتالی تفاوت وجود دارد.

رابطه میان ابعاد شکاف دیجیتالی با متغیر رفتار باروری رابطه منفی و معنادار است. بنابراین با توجه به نظریه کالدول می‌توان گفت که با استفاده بیشتر افراد از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و در نتیجه افزایش تماس افراد با پیام‌ها و ایده‌هایی که این فناوری‌ها می‌توانند اشاعه دهند، از جمله ایده کاهش باروری و تنظیم خانواده، میزان باروری نیز کاهش یافته است. بُعد شکاف دسترسی به فناوری با باروری ارتباط منفی و معناداری داشت. در واقع دسترسی داشتن خود عاملی ریشه‌ای در ایجاد شکاف دیجیتالی است که گستره و میزان نفوذ پیام‌هایی که از طریق فناوری‌ها انتقال می‌یابند وابستگی مستقیمی به آن دارد. متغیر سواد اطلاعاتی به‌عنوان یکی از ابعاد شکاف دیجیتالی نیز همبستگی منفی و معناداری با باروری دارد. نتیجه پژوهش افشارکهن و زمانی (۱۳۸۸) نیز نشان داد که فقدان سواد اطلاعاتی موجب افزایش شکاف دیجیتالی می‌شود. بنابراین با کاهش شکاف سواد اطلاعاتی شاهد افزایش باروری زنان خواهیم بود. با کم بودن سواد اطلاعاتی، استفاده مؤثر از فناوری‌ها و مطالب و فهم درست آن‌ها کمتر می‌شود و بنابراین تأثیرپذیری افراد از این رسانه‌ها در جهت پیام‌های اصلی رسانه‌ها، که کاهش باروری است، نخواهد بود. همچنین بُعد سواد تکنیکی دارای رابطه منفی و معنادار با باروری است، یعنی با افزایش سواد تکنیکی، میزان باروری کاهش می‌یابد. در واقع سواد تکنیکی مربوط به مهارت‌های بهره‌گیری از این فناوری‌هاست. این نکته بیانگر آن است که برخورداری از مهارت استفاده از ابزارها و فناوری‌ها حائز اهمیت است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میانگین ابعاد شکاف دیجیتالی در میان آن دسته از زنانی که با زبان‌های خارجی آشنایی دارند در مقایسه با آن‌هایی که با زبان‌های خارجی آشنایی ندارند بیشتر است. همچنین در این پژوهش ارتباط میان ابعاد شکاف اجتماعی و ابعاد شکاف دیجیتالی نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج مبین آن است که بین خاستگاه قومی زنان بر حسب شکاف دیجیتالی تفاوت معناداری وجود ندارد. اما میان ابعاد شکاف دیجیتالی و سایر ابعاد شکاف اجتماعی رابطه مشاهده شد. این نتیجه همسو با یافته‌های پژوهش واتال و همکاران (۲۰۱۱) و پژوهش ویلیز و ترانتر (۲۰۰۶) است. بنابراین می‌توان گفت که فناوری‌های نوین به‌صورتی ناهموار در میان گروه‌های مختلف اجتماعی گسترش می‌یابند و ابتدا در اختیار افراد با موقعیت برتر اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرند که این امر می‌تواند به عمیق‌تر شدن شکاف و تفاوت‌های اجتماعی منجر شود.

## منابع و مأخذ

- احمدیان، مجید و وحید مهربانی (۱۳۹۲). «سطح آموزش زنان و باروری در شهر تهران: یک رهیافت اقتصادی»، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۱: ۲۰-۱.
- افشار کهن، جواد و زهرا زمانی (۱۳۸۸). «جوانان و شکاف دیجیتالی»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۱۶: ۱۰۲-۸۲.
- جوان، جعفر (۱۳۸۸). *جغرافیای جمعیت ایران*، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۹). «سرمایه انسانی زنان و هم‌گرایی باروری در کشورهای آسیایی»، *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۲: ۱۸۸-۱۶۳.
- خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۵). *بررسی مؤلفه‌های فرایند جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان: مطالعه موردی: تهران، شیراز و استهبان*، (رساله دکتری جامعه‌شناسی)، دانشگاه شیراز.
- خواجه نوری، بیژن و مریم کریمی و سعید کشاورزی (۱۳۹۳). «سنجش رابطه شکاف دیجیتالی و توانمندی زنان شهر شیراز»، *زن در توسعه سیاست*، شماره ۱: ۳۸-۲۱.
- زیاری، کرامت‌الله و صابر محمدپور و ایوب منوچهری و محمد عیوضلو (۱۳۸۹). «اهمیت توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی شهری در روند جهانی شدن شهرها»، *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، شماره ۲: ۱۲-۱.
- سامانه مدیریت ضریب نفوذ اینترنت کشور، قابل بازیابی: <http://www.iriu.ir/matma/>
- شاه‌آبادی، زهرا و حسن سرابی و فریده خلج‌آبادی فراهانی (۱۳۹۳). «نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج (مطالعه شهرستان نیشابور)»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۱۶: ۲۹۵۴.
- شیری، طهمورت و سهیلا بیداریان (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اقتصادی جمعیتی موثر بر باروری زنان ۴۹-۱۵ ساله شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۲۲ تهران»، *پژوهش نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳: ۱۰۷-۹۳.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۵). «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲: ۵۸-۲۹.
- عنایت، حلیمه و لیلیا پرنیان (۱۳۹۲). «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»، *فصلنامه زن و جامعه*، شماره ۲: ۱۰۹۱۳۶.
- قاضی طباطبایی، محمود و نادر مهری (۱۳۹۲). «باروری و نابرابری‌های اجتماعی مبتنی بر جنسیت در خانه داری و بچه داری در بین زوجین شاغل در ایران»، *فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۱: ۱۰۷-۹۳.
- قائدرحمتی، صفر و فاطمه السادات حسینی (۱۳۹۱). «تحلیل رابطه بین شاخص‌های بهداشتی و آموزشی با سطح باروری در استان‌های کشور»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۴۵: ۳۳۸-۳۱۹.

## تأثیر شکاف دیجیتالی بر باروری زنان

قدرتی، حسین و علی یار احمدی و مریم مختاری و حسین افراسیابی (۱۳۹۰). «تحلیل سرمایه اجتماعی و باروری زنان در مناطق شهری سبزوار»، **مطالعات جغرافیایی مناطق خشک**، شماره ۴: ۷۹-۹۴.

کریر، گلن و رویستون مارتین (۱۳۹۰). «فرهنگ‌های دیجیتالی: درک رسانه‌های جدید»، ترجمه واژگن سرکیسیان، تهران: مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.

کلانتری، صمد و حسن بیک محمدی و اکبرزارع شاه‌آبادی (۱۳۸۴). «عوامل جمعیتی مؤثر بر باروری زنان یزد در سال ۱۳۸۳»، **پژوهش زنان**، شماره ۲: ۱۵۶-۱۳۷.

محمودی، محمدجواد (۱۳۹۰). «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیشرو و لزوم تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی ایران»، **فصلنامه برداشت دوم**، شماره ۱۱ و ۱۲: ۷۳-۴۱.

مهدی‌زاده، شراره و فاطمه رضایی (۱۳۹۵). «نقش متغیرهای میانجی در تأثیرگذاری تلویزیون‌های ماهواره‌ای بر مدیریت بدن دختران و زنان جوان»، **فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی**، شماره ۲: ۱۸۵-۲۰۵.

ناظمی‌اردکانی، محمد (۱۳۹۳). «ایران دارای پایین‌ترین نرخ باروری بین ۲۶ کشور منطقه»، **خبرگزاری تسنیم**، ۱۸ تیر، قابل‌بازیابی: <https://www.Tasnimnews.com>

نورایی‌نژاد، مریم (۱۳۸۷). «شاخص توسعه ICT؛ گزارش شکاف دیجیتالی»، **دنیای مخابرات و ارتباطات**، شماره ۶: ۶۴-۵۴.

Abbasi, A.; Sadeghi Niaraki, A. & Mirzaeian Dehkordi, B. (2008). "A review of ICT status and development strategy plan in Iran", **International Journal of Education and Development using Information and Communication Technology (IJEDICT)**, Vol. 4, Issue 3, 143-154.

Bertot, J. C. (2003). "The Multiple Dimensions of the Digital Divide: More than the Technology 'Haves' and 'Have Nots'", **Government Information Quarterly**, Vol. 20, 185-191.

Breierova, L. & Duflo, E. (2003). "The Impact of Education on Fertility and Child Mortality: Do Fathers Really Matter Less than Mothers?", **NBER Working Paper**, No. 1513, 32-64.

Caldwell, J. C. (2006). **Demographic Transition Theory**, Netherlands: Springer.

Campbell, D. (2001). "Can the digital divide be contained?", **International Labour Review**, Vol. 140, No. 2, 119-141.

Carvin, A. (2003). "More than Just Access: Fitting Literacy and Content into the Digital Divide Equation", **Educause Review**, Vol. 35, No. 6, 38-47.

- Gebremichael, M. B & Jason, W. J. (2006). "Bridging the Gap in Sub-Saharan Africa: A Holistic Look at Information Poverty and The Region's Digital Divide", **Government Information Quarterly**, Vol. 23, 267-280.
- Lin, N. (1978). **Foundations of Social Research**, New York: McGraw Hill.
- Moletsane, R.; Mitchell, C.; Smith, A. & Chisholm, L. (2008). **Methodologies for Mapping a Southern African Girlhood in the Age of Aids**, Institutional Repository.
- Noll, R. G.; Older-aguilar, R; Gregory, D. & Richard, R. R. (2000). "The Digital Divide: Definitions, Measurement, and Policy Issues", paper presented at Bridging the Digital Divide: California Public Affairs Forum.
- Schoemaker J. (1991). "Social class as a determinant of fertility behavior: the case of Bolivia", Presented at the Demographic and Health Surveys World Conference, Washington, D.C., August 5-7.
- Wattal, S.; Mandviwalla, T.; Jain, A. & Hong, Y. (2011). "Technology Diffusion in the Society: Analyzing Digital Divide in the Context of Social Class", Proceedings of the 44th Hawaii International Conference on System Sciences.
- Willis, S. & Tranter, B. (2006). "Beyond the 'digital divide' Internet diffusion and inequality in Australia", **Journal of Sociology**, Vol. 42, No. 43, 43-59.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی